

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال ششم، شماره (۱۸)، پاییز ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۱۱

صص ۶۱ - ۸۴

مطالعه رابطه برخی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تعارضات خانوادگی (مطالعه موردی: زنان متأهل ۲۰-۵۰ ساله شهر بندرلنگه)

مجید موحد^۱، هدی احمد پور^۲

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی رابطه برخی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان بر شدت و محتوای تعارضات خانوادگی انجام شده است. برای سنجش شدت تعارضات از CTS استروس و برای سنجش محتوای تعارض از مقیاس گریچ استفاده شده است. این تحقیق به روش پیمایشی انجام شده و داده‌ها نیز از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. نمونه آماری ۶۰۰ زن (شاغل / غیر شاغل) ۲۰-۵۰ ساله متأهل ساکن شهر بندر لنگه در استان هرمزگان بوده اند. یافته‌های تحقیق نشان دهنده این است که از بین کل پاسخگویان ۱۴/۲ درصد دارای تعارضات خانوادگی کم، ۶۸/۳ درصد متوسط و ۱۷/۷ درصد دارای سطح تعارضات بالا هستند.

mmovahed@rose.shirazu.ac.ir

۱- دانشجویار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جمعیت و توسعه واحد بین الملل دانشگاه شیراز

یافته‌های تحقیق نشان دهنده این است متغیرهایی از قبیل: وضعیت اشتغال زن، سن، تحصیلات و مذهب زن و شوهر، سن ازدواج زن، تعداد سال‌های ازدواج، تعداد و سن فرزندان، درآمد زوجین با متغیر وابسته رابطه معنی دار داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: زنان، شدت تعارض، محتوای تعارض، خانواده، زنان، تعارضات خانوادگی.

مقدمه

وجود یک جامعه سالم منوط به سلامت اجزایش است. یکی از اجزاء آن که شاید مهمترین آن هم باشد خانواده است. خانواده به عنوان کوچکترین و تاثیرگذارترین جزء یک جامعه است و یکی از پایه‌های اساسی آن مطرح می‌شود در واقع می‌توان گفت سلامت جامعه متضمن سلامت خانواده می‌باشد یکی از ارکان سلامت خانواده رضایت و سازش زوجین است. رضایت زناشویی از عوامل مهم در زندگی است به طوری که وجود آن در زندگی باعث آرامش همسران و کلیه اعضای خانواده و تربیت درست فرزندان است که این امر زیر بنایی برای موفقیت فرزندان در زندگی آینده شان است.

جنگ جهانی اول تحولاتی را در جامعه زنان دنیا به وجود آورد به طوری که گیدنز^۱ (۱۳۸۸: ۵۶۲) یکی از عوامل ورود زنان به بازار کار را کمبود نیروی کار در جنگ جهانی اول می‌داند. زنان در دوران جنگ جای مردان را در بازار کار گرفتند اما پس از جنگ مردان دوباره به حوزه‌های کاری خود بازگشتند ولی با این وجود الگوهای قبلی که در خانواده‌ها رواج داشت دیگر درهم شکسته شده بود. وی معتقد است که امروزه دامنه و ماهیت وظایفی که به زن نسبت داده شده بود دچار یکسری تغییراتی شده است. مثلاً کاهش نرخ مولید و افزایش متوسط سن زایمان موجب کوچکتر شدن خانواده می‌شود و این امر به این معناست که زنان وقت کمتری را صرف نگهداری از فرزندان می‌نمایند و علاوه بر این ماشینی شدن بسیاری از کارهای خانه داری نیز از جمله عواملی است که موجب می‌شود زنان زمان

کمتری را برای امور خانه داری بگذارانند در نتیجه امروزه زنان زیادی هستند که به کارهای بیرون از خانه مشغول می‌پردازند. علاوه بر عوامل ذکر شده امروزه دلیل دیگری وجود دارد که زنان به انجام کارهای مزدی روی می‌آورند و آن هم دلایل مالی است. فشارهای اقتصادی وارد شده بر خانواده‌ها و افزایش بیکاری مردان زنان بیشتری را به جستجوی کار واداشته است.

در کشور ما نیز این امر به بعد از انقلاب موکول شد به طوری که به دنبال انقلاب اسلامی ایران موقعیت زنان به سرعت تغییر کرد در سال ۱۹۷۹ انقلاب اسلامی بسیاری از مرزهای جنسیتی سنتی را حذف کرد و به زنان حقوق مساوی بیشتری دادند آنان بدین واسطه توانستند به تحصیلات عالی و به تبع آن کار خارج از خانه دست پیدا کنند (اوگرادی^۱ ۲۰۰۷: ۳، ۲-۱). در دهه‌های اخیر بهرمنند شدن بیشتر زنان از تحصیلات دانشگاهی و روی آوردن آنها به فعالیت اقتصادی به ویژه در شهرهای بزرگ ارزشهای جدیدی را در حوزه خانواده ایجاد کرده و باعث دگرگونی مناسبات زناشویی و خانوادگی و ارتقای جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و ایجاد هویت‌های جدید برای آنان شده است (ساروخانی و رفعت‌جاء، ۱۳۸۳: ۸۳)

امروزه دگرگونی‌های زیادی در نهاد خانواده به وجود آمده است که این دگرگونی‌ها شامل تغییر در ساخت قدرت خانواده، تغییر در کارکردهای سنتی خانواده، دگرگونی در بعد و نوع خانواده، تغییر نگرش افراد نسبت به ارزش فرزندان، سن، جنس و ... می‌باشد. به طوریکه اشکال جدید خانواده در جوامع غربی به سوی فروریزی ساختارها و ارزش‌ها پیش می‌رود و در کشورهای رو به رشد نیز این شکل خانواده در منطبق ساختن خود با نیازهای جامعه دچار مشکل می‌شود این تغییر شکل خانواده منجر به تغییر در رفتار اعضای خانواده نیز می‌شود و بر روی چگونگی تقسیم قدرت بین زن و مرد در خانواده تاثیر می‌گذارد (فخرایی، ۱۳۸۶: ۷۶). وجود تعارضات در خانواده مسائل و مشکلاتی را در سه سطح فردی، نهادی و اجتماعی به وجود می‌آورد. در سطح فردی اعضای چنین خانواده‌هایی ممکن است تعادی روانی خود را از دست داده و دچار پرخاشگری و افسردگی شوند (فینچ‌من، ۲۰۰۳: ۲۳).

اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد خانواده است و فرد اولین تأثیرات محیطی را از محیط خانواده دریافت می‌کند. خانواده پایه گذار بخش مهمی از سرنوشت انسان است و در تعیین سبک و خط مشی زندگی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد در آینده نقش بزرگی بر عهده دارد. تعارضات بین والدین بر روی انحرافات نوجوانان تأثیر مثبت دارد و معمولاً در خانواده‌هایی که میزان تعارضات در آن زیاد است نمیتوانند رفتارهای مناسب اجتماعی را به فرزندانشان آموزش دهند. همچنین، فرزندان این خانواده‌ها به احتمال زیاد، رفتارهای والدین با یکدیگر و با خودشان را الگوی مناسب برای رفتار با دیگران تلقی می‌کنند، بویژه اگر در شرایطی این نوع رفتارها برای والدینشان نتیجه بخش بوده باشند (خواجه نوری، ۱۳۹۰). همچنین مطالعات نشان می‌دهند که ناسازگاری و تعارضات تأثیر بسیار مهمی بر کاهش سلامت کودکان و آسیب روانی آنان می‌گذارد و بیان می‌کنند که تعارضات ناشویی به عنوان یک عامل استرس‌زا می‌تواند بر واکنش عاطفی و رفتاری کودکان اثر بگذارد (قره باغی، ۱۳۸۷). علاوه بر این شدت تعارضات در خانواده و بخصوص طلاق بین والدین موجب ناسازگاری فرزندان شده و حتی پس از ازدواج احتمال طلاق آنان نیز افزایش می‌یابد (Bodenmann, 1997 & cooney, 1994).

همانطور که بدان اشاره شد تعارضات بین زوجین حتی روی مسائل اجتماعی نیز تأثیرگذار است از نظر شارلین (sharlin, 1992) تعارضات بین زوجین موجب می‌شود والدین از نقش خود به عنوان سرپرست غافل بمانند در نتیجه در چنین شرایطی ممکن است بچه‌ها غیرقابل اعتماد، پرآزار، شیطان و غیر قابل کنترل شوند. در واقع یکی از علل فرار کودکان از منزل نیز همان تعارضات خانوادگی است (نژادسبزی، ۱۳۹۰).

مطالعات نشان می‌دهند که تعارضات بین زوجین تأثیر حادی چون بزهکاری، فرار از منزل و... بر جای می‌گذارد. با توجه به نقش آسیب‌زایی تعارضات خانوادگی در جامعه و رشد ۳۶٪ میزان طلاق بین سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۸ در استان هرمزگان (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) و همچنین با توجه به اینکه در ایران نظام خانواده دارای ارزشی وافر است ضرورت انجام مطالعات در مناطق گوناگون کشور بین قومیت‌ها و مذاهب گوناگون احساس می‌شود.

مروری بر رویکردهای نظری

در این پژوهش جهت بررسی تعارضات خانوادگی از نظریه گریچ (۱۹۹۳) و جهت تبیین رابطه این متغیر با متغیرهای مستقل از نظریه منابع استفاده شده است. بر اساس نظر گریچ (۱۹۹۳: ۲۱۶-۲۱۸) تعارضات خانواده به ویژه تعارض بین زن و شوهر دارای دو بعد اساسی است:

۱- شدت تعارضات: تعارضات زن و شوهر اشکال مختلفی از بحث‌های آرام تا خشونت‌های فیزیکی به خود می‌گیرد. بدیهی است که همه اشکال تعارضات به یک میزان به فرد فشار وارد نمی‌کنند.

۲- محتوای تعارضات: اینکه تعارض بر سر چه موضوعی است را محتوای تعارض می‌گویند. تعارض می‌تواند در مورد عقاید، اعمال و رفتار یکدیگر، در مورد فرزندان، مسائل مالی و نظایر آن باشد.

در نظریه شبکه بات^۱ بر این نظر است که درجه تفکیک نقش‌های زن و شوهر بستگی به میزان تراکم شبکه ای است که زوجین در بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند که هر چه ارتباط بیشتر باشد رابطه زناشویی تفکیک شده تر بوده و هر چه ارتباط با بیرون از خانه کمتر باشد نقش زن و مرد کمتر نشان از جدایی و تفکیک دارد. حال اگر زن و شوهر هر یک به شبکه متراکم تعلق داشته باشند و پس از ازدواج نیز بر همین اصول پایبند باشند تفکیک نقش بین آنان به وجود می‌آید، زیرا هر یک از زوجین مورد حمایت دوستان و آشنایان خود قرار می‌گیرند، اما در مقابل اگر شبکه پراکنده باشد هنجارهای درون شبکه متنوع و وفاق اجتماعی اعضاء کمتر است و زن و شوهر از حمایت دوستان و آشنایان خود محروم هستند. در نتیجه آنان مجبور به کمک‌های متقابل به یکدیگر هستند پس در اینجا تقسیم نقش در درون خانواده بستگی به رابطه زوج‌ها با محیط اجتماعی دارد همان طور که در بالا بدان اشاره شد اگر حمایت و پشتیبانی وجود نداشته باشد بین زوجین رابطه متقابل به وجود خواهد آمد و حتی این

امر موجب می شود نقش های سنتی یکدیگر را انجام می دهند و همین امر هم ممکن است موجب عدم تعارض و ناسازگاری و در نتیجه انسجام بیشتر خانواده شود (سگالن^۱، ۱۳۷۰: ۲۵۵).

نظریه کارکردگرایی نیز به توضیح جامعه شناسی نهادهای اجتماعی مانند خانواده از لحاظ عملکردی می پردازد. کارکردگرایی در واقع ارتباط بین بخش های مختلف از ساختار و ارتباط آنها در جامعه را مورد بررسی قرار می دهد و به عبارت ساده تر مثلا کارکردگرایی اثر خانواده را بر بخش های دیگر ساختار اجتماعی و در جامعه به عنوان یک کل مورد بررسی قرار می دهد. (جکوبسن^۲، ۲۰۰۴: ۲۵). پارسونز نیز از جمله نظریه پردازانی است که بر نقش محوری تقسیم کار جنسیتی تاکید کرده و معتقد است که در یک خانواده مرد نقش ابزاری^۳ و زن نقش بیانگر^۴ را بر عهده دارد (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۲۰). یعنی پدر مسئولیت برآوردن نیازهای اقتصادی خانواده را برعهده دارد و در واقع با دنیای خارج در ارتباط است. مسئولیت مادر نیز بیشتر جنبه های عاطفی و احساسی و مراقبت جسمانی را در برعهده می گیرد که لازمه پیوستگی خانواده می باشد. در اینجا مرد رقابت جو و مسلط و زن منفعل و پرورش دهنده است (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۲۸۱). به باور وی فقط به واسطه این الگوست که کارکردهای اصلی خانواده یعنی جامعه پذیری یا اجتماعی کردن کودکان و تثبیت شخصیت بزرگسالان به بهترین شکل صورت می پذیرد و این امر نقش اساسی را در ثبات خانواده و به تبع آن یکپارچگی جامعه را ایفا می کند (بستان، ۱۳۸۵: ۱۵).

از نظر تضادگرایان مردان در صورتی می توانند از پایگاه برتر خود برخوردار باشند که زنان دارای پایگاه پایین تری از آنان باشند. ستیزگرایان منشا کلی نابرابری جنسی را نابرابری اقتصادی بین مردان و زنان می دانند و ثروت را جزء منابعی می پندارند که به قدرت تبدیل می شود (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۲۸۲). رالزر بلومبرگ^۵ از جمله نظریه پردازان این نظریه است که قشر بندی جنسیتی را وابسته به میزان کنترل وسایل تولید و تخصیص مازاد تولید به زنان

1-Martine Segalen

2 - Jacobsen, V

3- Instrumentale role

4 -Expressiveness role

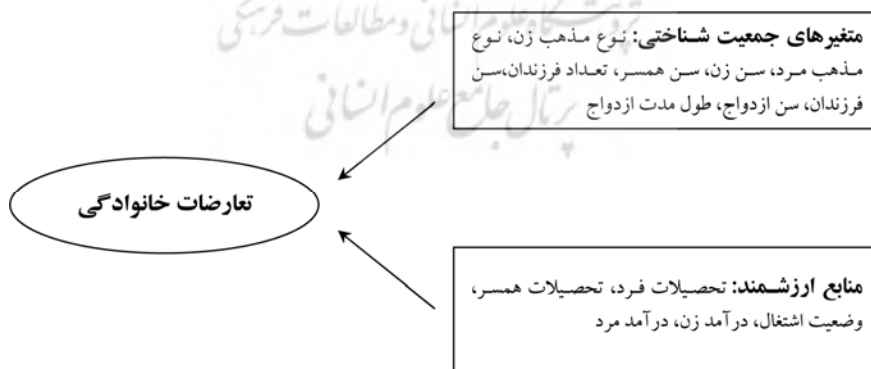
5 -Blumberg, R

می‌داند. حال اگر این کنترل توسط زنان صورت گیرد به آنان قدرت اقتصادی، نفوذ سیاسی و وجهه اجتماعی می‌دهد (لهسایی زاده، ۱۳۸۷: ۱۴).

نظریه فمینیسم نیز از جمله دیدگاههایی است که بر نابرابری‌های جنسیتی تاکید دارد و شاید بتوان گفت که نقطه آغازین تمام بررسی‌های زنان و موقعیت آنان در جامعه است یعنی فمینیسم جهان را از دیدگاه زنان نگاه می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۱: ۴۶۰-۴۵۹). بر اساس این دیدگاه زنان در موقعیت‌های نابرابری نسبت به مردان قرار دارند و فمینیسم در واقع در اینجا فرو دست بودن زنان را قابل چون و چرا می‌داند و با ایدئولوژی مردسالارانه حاکم مخالفت می‌ورزد. از دید جامعه‌شناسی سنتی سرچشمه اصلی ستم دولت و اقتصاد و دیگر نهادهای عمومی هستند و این مسئله را در نهادهای خصوصی نظیر خانواده نادیده می‌گیرند، در صورتیکه از دیدگاه فمینیسم تمام امور شخصی سیاسی است و باید برای تجربیات عینی زنان از این ستم چه در برخوردهای روزمره و شخصی و یا در روابط جمعی و مرسوم اعتبار قائل شد (آبوت و والاس، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۰). با پرداختن به نظریات فمینیستی می‌توان به عمق تضاد و اختلافات بین زوجین پی برد بدین صورت که با توجه به سنتی بودن جامعه ما این نوع گرایش‌های تساوی طلبانه در ابتدا موجب بروز تضادها و مشکلات بین زوجین خواهد شد.

به دلیل تغییر شرایط زنان نسبت به قبل و بدست آوردن منابع بیشتر مانند طی کردن مدارج بالای تحصیلات، روی آوردن به فعالیت‌های اقتصادی و... در این مقاله سعی خواهد شد تا از نظریه منابع جهت تبیین تعارضات خانوادگی استفاده شود. بر پایه این نظریه خانواده مانند هر نظام دیگری دارای نظام اقتداری است و هر کس در آن به منابع بیشتری دسترسی داشته باشد می‌تواند سایر اعضا را تحت کنترل خود قرار دهد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۸۰). به عبارتی هرچه مرد به منابع مهم و ارزشمندی مانند شغل، تحصیلات و درآمد دسترسی بیشتری داشته باشد، از قدرت بیشتری نیز برخوردار خواهد بود (مهدی زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۸). بنابراین متغیرهای یاد شده به عنوان منبعی است که فرد می‌تواند از آن جهت کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده نماید. لذا هر چه اختلاف منابع اقتصادی و اجتماعی بین همسران بیشتر باشد اختلاف بین آنان نیز بیشتر می‌شود. بسیاری از محققان معتقدند که مردانی که منابع بیشتری در اختیار دارند در روابطشان بیشتر سلطه‌گر هستند.

همچنین بر طبق این نظریه از جمله عواملی که بر روی میزان اعمال قدرت افراد و به تبع آن میزان اختلاف آنان تاثیر می گذارد عواملی همچون طول مدت ازدواج و داشتن فرزند می باشد بدین صورت که در سال‌های اولیه ازدواج (حدود ۵-۷ سال اول) قدرت مردان در بالاترین میزان خود می باشد و قدرت زن در طول چرخه زندگی افزایش می یابد. همچنین زنانی که فرزند دارند نسبت به زنان بدون فرزند از قدرت کمتری برخوردارند (میشل^۱، ۱۳۵۴: ۱۹۴). علاوه بر این بلاد و ولف^۲ (۱۹۶۴) دو عامل دیگر نیز عنوان می کنند و آن تحصیلات فرد و سن فرد است. آنان معتقدند که فردی که تحصیلات بیشتری دارد بر همسرش مسلط می شود خصوصاً زمانی که یکی از زوجین به دانشگاه رفته باشد و دیگری نرفته باشد. فردی که تحصیلات کمتری دارد ممکن است خودش را فردی غیرمطمئن ارزیابی کند و خود را از فرایند تصمیم گیری کنار بکشد. گرچه که اختلاف در تحصیلات دارای اهمیت است اما تفاوت سنی از اهمیت بیشتری برخوردار است. زمانی که شوهر هفت سال بزرگتر باشد، تاثیر تفاوت سنی معنادار می شود. بنابراین، همانگونه که عنوان شد عوامل یاد شده هر کدام به عنوان منبعی برای ابراز قدرت افراد عمل می کنند یعنی به عبارتی در خانواده هر فردی که دسترسی بیشتری به این منابع داشته باشد قدرت بیشتری را در اختیار خواهد داشت اگر زن این قدرت را در اختیار داشته باشد مشارکت زنان در زمینه امور مالی و تصمیمگیری، افزایش خواهد یافت.



مدل مفهومی تحقیق

1 - Michel, A

2 - Blood, Robert

فرضیه‌های پژوهش

- برای پاسخگویی به سوالات پژوهش فرضیات پژوهش به شرح زیر ارائه می‌گردد:
- بین متغیره‌های جمعیت شناختی (نوع مذهب زن و مرد، سن زن، سن همسر، تعداد فرزندان، سن فرزندان، سن ازدواج، طول مدت ازدواج) و تعارضات خانوادگی رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین تحصیلات پاسخگو و تعارضات خانوادگی رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین تحصیلات همسر پاسخگو و تعارضات خانوادگی رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین وضعیت اشتغال فرد و تعارضات خانوادگی رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین میزان درآمد زن و تعارضات خانوادگی رابطه معنادار وجود دارد.
 - بین میزان درآمد مرد و تعارضات خانوادگی رابطه معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش به روش کمی و با استفاده از پیمایش انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان متأهل ۲۰-۵۰ ساله شهرستان بندرلنگه می‌باشد که همسرانشان در قید حیات بوده و با هم زندگی می‌کردند. طبق سرشماری انجام شده در ۱۳۸۵، جمعیت زنان در این گروه سنی ۱۶۰۸۴ نفر است که بر طبق جدول لین^۱، حجم نمونه این جامعه آماری با ضریب خطای ۴٪ و سطح اطمینان ۹۵٪ در حدود ۵۸۳ نفر برآورد گردید که در نهایت برای اطمینان بیشتر ۶۰۰ پرسشنامه تکمیل گردید. شیوه نمونه‌گیری مورد استفاده در این مطالعه طبقه‌ای تصادفی بوده است بدین صورت که در ابتدا شهر بندر لنگه به ۵ طبقه (محلّه) تقسیم شد و با توجه به جمعیت هر محلّه به گونه تصادفی تعداد ۶۰۰ نفر از آنان انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است که پرسشهای مربوط به متغیره‌های جمعیت شناختی و منابع محقق ساخته است و جهت سنجش تعارضات خانوادگی از مقیاس CTS اشتروس که مبتنی بر ابعاد مورد نظریه گریچ (۱۹۹۳) است استفاده شده است. به طور کلی

تعارضات خانوادگی را می توان در سه سطح بررسی کرد: تعارض میان همسران، تعارض میان والدین و فرزندان، تعارض میان فرزندان. در این پژوهش با توجه به هدف طرح، تعارض میان همسران مورد توجه است. تعاریف متعددی از تعارضات خانوادگی ارائه گردیده است به عنوان مثال؛ مطابق نظرهاکر و همکاران (۱۹۹۸) تعارض عبارت است از درگیری بین چند شریک دارای همبستگی متقابل که ناسازگاری اهداف، منابع کمیاب یا مداخله (مزاحمت) از جانب دیگر شرکاء را ادراک می کنند (به نقل از سگرین و همکاران، ۲۰۰۴). در این پژوهش تعارض در دو بعد شدت تعارض و محتوای تعارض مورد سنجش قرار گرفته است. شدت تعارض نشانگر نوع برخورد و رفتار همسران با یکدیگر هنگام بروز درگیری است که می تواند از بحث های آرام گرفته تا خشونت های فیزیکی را شامل شود. جهت سنجش شدت تعارض از گویه های مقیاس CTS اشتروس استفاده گردیده است. وی گویه های مربوط را طوری تنظیم کرده که تعارض بین همسران را از کمترین شده تا بیشترین شدت مورد سنجش قرار می دهد. اینکه تعارض بر سر چه موضوعی باشد محتوای تعارض را تشکیل می دهد که می تواند در مورد عقاید، اعمال و رفتار یکدیگر، در مورد فرزندان، مسایل مالی و نظایر آن باشد (گریج، ۱۹۹۳: ۲۱۸-۲۱۶). برای سنجش آن گویه هایی از مقیاس CTS اشتروس به صورت طیف لیکرت در مورد موضوعات مختلف شامل تعارض در عقاید، اعمال و رفتار یکدیگر، فرزندان، مسائل مالی و... آورده شده است. در مجموع این دو بعد تعارض توسط ۴۷ گویه (۲۵ گویه برای سنجش محتوای تعارضات و ۲۲ گویه برای سنجش شدت تعارضات) مورد سنجش قرار گرفته است. اعتبار این مقیاس در تحقیقات پیشین (فخرایی، ۱۳۸۶) تایید شده است. در این پژوهش روایی و پایایی ابزار سنجش با استفاده از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و روش صوری بررسی شده است. ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده در این پژوهش ۰/۹۲ می باشد که نشانگر پایایی خوب ابزار سنجش است (جدول شماره ۱). با توجه به این که متغیرهای مستقل متغیرهای واضح و روشن هستند از تعریف آنها صرف نظر می گردد.

یافته‌های تحقیق

در این مطالعه رابطه عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با تعارضات خانوادگی زنان رویکرد جامعه شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. اطلاعات بدست آمده از آمار توصیفی نشان می دهد که افراد پاسخگو در رده سنی ۲۰ تا ۵۰ سال قرار دارند و میانگین سنی آنان ۳۱/۶۵ سال می باشد که بین سن ۱۳ تا ۳۵ سال ازدواج نموده اند. از بین کل افراد شاغل بیشترین درصد افراد فرهنگی و سپس کارمند بوده اند و بقیه دارای مشاغل خصوصی، خدماتی و بهداشتی بودند. سطح تحصیلات پاسخگویان از بی سواد شروع و تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه می یابد و درآمد آنان نیز بین صد هزار تومان تا دو میلیون و پانصد هزار تومان تغییر می یابد. همچنین بررسی میزان تعارضات خانوادگی حاکی از آن است که میزان تعارضات هم در بعد شدت تعارض و هم محتوای تعارض بیشتر در سطح متوسط رو به بالا قرار دارد. یعنی اینکه در بین جامعه مورد مطالعه ما میزان تعارضات در خانواده تقریباً در سطح بالایی قرار دارد.

جدول شماره ۱- توزیع درصدی میزان تعارضات خانوادگی پاسخگویان به تفکیک

ابعاد مختلف

آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	تعارضات و ابعاد آن			پایین	متوسط	بالا
		بعد شدت تعارضات	بعد محتوای تعارضات	تعارضات کل			
۰/۸۹	۲۲	۸۳	۱۲/۷	۱۰۰	۴۱۷	۱۷	فرآوانی درصد
		۹۵	۱۵/۸	۸۹			
۰/۸۹	۲۵	۸۶	۱۴/۲	۱۰۵	۴۰۹	۱۷/۷	فرآوانی درصد
		۹۵	۱۵/۸	۸۹			
۰/۹۲	۴۷	۸۶	۱۴/۲	۱۰۵	۴۰۹	۱۷/۷	فرآوانی درصد
		۹۵	۱۵/۸	۸۹			

جدول شماره ۲ آزمون رابطه بین نوع مذهب پاسخگو با تعارض در خانواده را با استفاده از آزمون t نشان می‌دهد. همانطور در جدول مشاهده می‌شود در هر سه متغیر شدت، محتوا و کل تعارضات میانگین تعارضات بین خانواده‌های زنان سنی بیشتر از زنان شیعه است و با توجه به سطح معناداری ۰/۰۲۱ (شدت تعارض) و ۰/۰۴۸ (محتوای تعارض) و همچنین ۰/۰۷۱ (کل تعارضات) می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین شدت تعارض و محتوای تعارض در خانواده زنان شیعه و سنی تفاوت معناداری وجود دارد اما بین میانگین کل تعارضات در خانواده زنان شیعه و سنی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۲- آزمون رابطه نوع مذهب پاسخگویان با تعارض در خانواده

سطح معناداری	t	اشتباه استاندارد	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	نوع مذهب	
						شیعه	سنی
۰/۰۲۱	-۲/۳۱	۰/۵۹	۱۱/۶۶	۳۷/۶۲	۳۸۷	شیعه	شدت تعارضات
		۰/۹۱	۱۳/۲۶	۴۰/۱۴	۲۱۱	سنی	
۰/۰۴۸	-۰/۶۹	۰/۶۰	۱۱/۹۸	۳۵/۶۰	۳۸۷	شیعه	محتوای تعارضات
		۰/۸۶	۱۲/۵۱	۳۶/۳۳	۲۱۱	سنی	
۰/۰۷۱	-۱/۸۰	۱/۰۲	۲۰/۲۱	۷۳/۲۳	۳۸۷	شیعه	کل
		۱/۵۴	۲۲/۳۷	۷۶/۴۷	۲۱۱	سنی	

جدول شماره ۳ آزمون رابطه بین نوع مذهب همسر پاسخگو با تعارض در خانواده را نشان می‌دهد. همانطور در جدول مشاهده می‌شود در هر سه متغیر شدت، محتوا و کل تعارضات میانگین تعارضات بین خانواده‌هایی که همسران سنی هستند بیشتر از شیعه است و با توجه به سطح معناداری ۰/۰۳ (شدت تعارض) و ۰/۶۳ (محتوای تعارض) و همچنین ۰/۱۲۲ (کل تعارضات) می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین شدت تعارض و نوع مذهب مرد تفاوت

معناداری وجود دارد اما بین میانگین محتوای تعارضات و کل تعارضات و نوع مذهب مرد تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۳-آزمون رابطه نوع مذهب همسر پاسخگویان با تعارض در خانواده

سطح معناداری	t	اشتباه استاندارد	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	نوع مذهب	
						شدت	محتوای
۰/۰۳	-۲/۱۳	۰/۶۱	۱۱/۸۲	۳۷/۶۰	۳۶۶	شیعه	تعارضات
		۰/۸۴	۱۲/۹۵	۳۹/۸۵	۲۳۳	سنی	
۰/۶۳	-۰/۴۷۰	۰/۶۲	۱۱/۹۶	۳۵/۷۳	۳۶۶	شیعه	تعارضات
		۰/۸۲	۱۲/۶۴	۳۶/۲۱	۲۳۳	سنی	
۰/۱۲۲	-۱/۵۴	۱/۰۵	۲۰/۲۴	۷۳/۳۴	۳۶۶	شیعه	رک
		۱/۴۵	۲۲/۱۶	۷۶/۰۶	۲۳۳	سنی	

جدول شماره ۴ آزمون رابطه بین دو وضعیت اشتغال پاسخگویان و تعارض در خانواده را نشان می‌دهد. داده‌های جدول حاکی از این است که میانگین غیرشاغلین برابر با ۷۷/۶۴ و میانگین شاغلین ۷۱/۱۹ می‌باشد. همچنین سطح معناداری موجود در جدول نشان می‌دهد که این تفاوت معنادار می‌باشد و میزان تعارض در بین غیرشاغلین بیشتر از شاغلین می‌باشد. همچنین جهت بررسی رابطه این متغیر با شدت تعارض در خانواده به بررسی تفاوت میان میانگین نمرات (با استفاده از آزمون تی مستقل) مربوط به شدت تعارض پاسخگویان در هر یک از طبقات متغیر وضعیت اشتغال می‌پردازیم. همانگونه که ملاحظه می‌شود، در بین پاسخگویان بیشترین میانگین به افراد غیرشاغل (۴۰/۸۹) و کمترین میزان به شاغلین (۳۶/۰۹) مربوط است. بنابراین با توجه به مقدار t به دست آمده از آزمون تی مستقل در شدت تعارض در خانواده و سطح معناداری ۰/۰۰۰ وجود تفاوت میان میانگین‌های مربوط به طبقات متغیر

مستقل تأیید می شود. بدین ترتیب می توان گفت که افراد غیرشاغل در مقایسه با شاغل به طور معناداری شدت تعارضشان در خانواده بیشتر است.

در رابطه با محتوای تعارض نیز می توان گفت که میانگین غیرشاغلین ۳۶/۷۴ و ۳۵/۱۰ می باشد یعنی در اینجا نیز میانگین غیرشاغلین در مقایسه با شاغلین بیشتر است اما با توجه به سطح معناداری موجود در جدول مشخص می شود که هیچ تفاوت معناداری بین میانگین محتوای تعارض در خانواده شاغلین و غیرشاغلین وجود ندارد. این فرضیه با نتیجه ای که مهدی زاده (۱۳۸۶) از کار خود گرفت مبنی بر اینکه بین اشتغال زن با روابط زوجین رابطه مثبت وجود دارد همسو است.

جدول شماره ۴- آزمون رابطه وضعیت اشتغال پاسخگویان با تعارض در خانواده

سطح معنی داری	T	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین تعارض	فراوانی	متغیر	
۰/۰۰۰	۳/۷۹	۱/۲۴	۲۱/۵۴	۷۷/۶۴	۳۰۰	خانه دار	تعارض (کل)
		۱/۱۵	۱۹/۹۹	۷۱/۱۹	۳۰۰	شاغل	
۰/۰۰۰	۴/۸۶	۰/۶۸۹	۱۱/۹۴	۴۰/۸۹	۳۰۰	خانه دار	شدت
		۰/۷۰۵	۱۲/۲۱	۳۶/۰۹	۳۰۰	شاغل	تعارض
۰/۱۰۰	۱/۶۵	۰/۷۳۶	۱۲/۷۵	۳۶/۷۴	۳۰۰	خانه دار	محتوای
		۰/۶۷۰	۱۱/۶۱	۳۵/۱۰	۳۰۰	شاغل	تعارض

در این پژوهش ۱۳ فرضیه مطرح شده بود که ۳ تا از آنها با استفاده از آزمون T در جداول بالا مورد بررسی قرار گرفتند. ۱۰ فرضیه دیگر با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره ۶ مورد آزمون قرار گرفتند همانطور که در جدول دیده می شود بیشترین ضریب همبستگی تعارضات (۰/۳۳) و محتوای تعارضات (۰/۴۹) مربوط به تعداد فرزندان می باشد اما در شدت تعارض بیشترین ضریب همبستگی مربوط به سن ازدواج زن (۰/۲۲) است. و در ادامه نیز

ضریب همبستگی سایر متغیرها در جدول مشخص شده است. همبستگی بین متغیرهای ذکر شده در جدول و تعارضات همسران در سطح بالاتر از $p=0/05$ معنادار است و تنها متغیرهای سن زن، سن مرد و سطح تحصیلات مرد از همبستگی ضعیفی با تعارضات همسران برخوردار بوده اند که رابطه آنان معنادار نیست. همچنین از بین کل متغیرهای وارد شده متغیر تعداد سالهای ازدواج و تعداد سن فرزندان نیز با متغیر شدت تعارض رابطه معناداری نداشته است و در بخش محتوای تعارض نیز رابطه بین متغیرهای سطح تحصیلات مرد، درآمد زن و درآمد مرد و محتوای تعارضات معنادار نیست.

جدول شماره ۵- ضریب همبستگی پیرسون بین تعارضات همسران و متغیرهای مستقل

متغیرها	سن زن	سن مرد	سطح تحصیلات		تعداد فرزندان		درآمد		تعداد سالهای ازدواج	سن فرزندان
			زن	مرد	زن	مرد	مرد	زن		
تعداد	۵۹۲	۵۹۲	۵۹۸	۵۹۶	۶۰۰	۵۹۰	۵۶۷	۵۹۲	۵۹۲	۶۰۰
شدت تعارض	ضریب پیرسون	-۰/۱۳	-	-۰/۱۴	-۰/۰۹	۰/۰۷	-۰/۲۰	-۰/۰۹	-۰/۲۲	-۰/۰۱
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۹۸
محتوای تعارض	ضریب پیرسون	۰/۱۵	۰/۲۱	-۰/۰۹	-۰/۰۳	۰/۴۹	۰/۰۴	-۰/۰۵	-۰/۲۷	۰/۲۹
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۳۷	۰/۰۰	۰/۲۷	۰/۲۳	۰/۰۰	۰/۰۰
تعارض	ضریب پیرسون	۰/۰۰۸	۰/۰۷	-۰/۱۴	-۰/۰۷	۰/۳۳	-۰/۱۴	-۰/۰۸	-۰/۲۸	۰/۱۶
	سطح معناداری	۰/۸۴	۰/۰۷	۰/۰۰	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰

در نهایت جهت بررسی این مساله که از بین متغیرهای مورد بررسی کدام متغیرها قدرت تبیین کنندگی بیشتری دارند از روش رگرسیون چند متغیره گام به گام برای هر کدام از ابعاد و همچنین کل تعارضات استفاده شده است.

جدول شماره ۶ نشان دهنده تحلیل گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته شدت تعارض است. از میان متغیرهایی که وارد معادله شده اند پنج متغیر باقی مانده است که عبارتند از: سن

ازدواج، درآمد زن، مذهب زن، سن زن، تعداد فرزندان که این متغیرها توانسته اند در مجموع ۳۲/۵ درصد همبستگی میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مشاهده می شود که ۱۰/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه مورد مطالعه تبیین نمایند. از بین این متغیرهای مستقل متغیر سن ازدواج زن دارای بیشترین قدرت تبیین کنندگی برای میزان شدت تعارضات بین زوجین است. همچنین مقادیر به دست آمده در قسمت ضریب Beta نشان دهنده این است که بین چهار متغیر اول یعنی سن ازدواج زن، درآمد زن، مذهب و سن زن و متغیر وابسته شدت تعارض رابطه معکوس وجود دارد اما در متغیر تعداد فرزندان این رابطه مثبت است. و همچنین مقدار بالای سطح معناداری در همه گزینه‌ها نشان می دهد که رابطه همه متغیرها با متغیر وابسته معنادار است.

جدول ۶- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش بینی متغیر شدت تعارضات

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ²	R ² Ad	اشتباه استاندارد	B	Beta	T	Sig
اول	سن ازدواج زن	۰/۲۳۴	۰/۰۵۵	۰/۵۳	۱۲/۰۲	-۴/۷۴	-۰/۱۴۶	-۳/۰۴	۰/۰۰۲
دوم	درآمد زن	۰/۲۶۵	۰/۰۷۰	۰/۰۶۶	۱۱/۹۳	-۵/۴۳	-۰/۱۰۶	-۲/۴۸	۰/۰۱۳
سوم	مذهب زن (شیعه)	۰/۲۷۸	۰/۰۸۲	۰/۰۷۷	۱۱/۸۷	-۳/۲۸	-۰/۱۲۹	-۳/۰۳	۰/۰۰۳
چهارم	سن زن	۰/۳۰۵	۰/۰۹۳	۰/۰۸۶	۱۱/۸۱	-۰/۳۶	-۰/۲۰۵	-۳/۶۲	۰/۰۰۰
پنجم	تعداد فرزندان	۰/۳۲۵	۰/۱۰۶	۰/۰۹۷	۱۱/۷۳	۱/۶۴	۰/۱۵۳	۲/۷۴	۰/۰۰۶

a= 61/57 R= 0/35

R²= 0/106

F= 12/12

sig=0/000

جدول شماره ۷ نیز رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته محتوای تعارض به روش رگرسیون چند متغیره مورد بررسی قرار می دهد. همان طور که در جدول نمایان است معادله پیش بینی دارای پنج مرحله است و از میان متغیرهایی که وارد معادله شده اند پنج متغیر باقی

مانده است که عبارتند از: تعداد فرزندان، سن زن هنگام ازدواج، درآمد مرد، سن زن، سن فرزندان که در کل می توان گفت که این متغیرها توانسته اند ۳۲ درصد از متغیر وابسته را در میان پاسخگویان تبیین نمایند. همانطور که در جدول نمایان است بیشترین قدرت تبیین کنندگی متغیر محتوای تعارضات از آن متغیر تعداد فرزندان یک خانواده است که به تنهایی ۲۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید. که این نشان دهنده اهمیت بعد خانوار بر میزان تعارضات است. همچنین از مقدار ضریب Beta موجود در جدول نمایان است که رابطه بین تعداد و سن فرزندان با محتوای تعارض در خانواده مثبت است و و این رابطه در مابقی متغیرها منفی می باشد.

جدول ۷- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش بینی متغیر

محتوی تعارضات

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ²	R ² Ad	اشتباه استاندارد	B	Beta	T	Sig
اول	تعداد فرزندان	۰/۴۸	۰/۲۳	۰/۲۳	۱۰/۳۵	۴/۸۰	۰/۴۶	۹/۱۹	۰/۰۰۰
دوم	سن ازدواج زن	۰/۵۳	۰/۲۸	۰/۲۸	۱۰/۰۲	-۰/۲۸	-۰/۹۱	-۱/۷۹	۰/۰۷۳
سوم	درآمد مرد	۰/۵۴	۰/۳۰	۰/۲۹	۹/۹۴	-۴/۱۱	-۰/۰۹	-۲/۶۳	۰/۰۰۹
چهارم	سن زن	۰/۵۵	۰/۳۰	۰/۳۰	۹/۹۱	-۰/۵۰۲	-۰/۲۹	-۳/۹۷	۰/۰۰۰
پنجم	سن فرزندان	۰/۵۶	۰/۳۲	۰/۳۱	۹/۸۰	۰/۵۴۰	۰/۲۶	۳/۴۷	۰/۰۰۰

a= 50/15 R= 0/56

R²= 0/32

F= 48/53

sig=0/000

جدول شماره ۸ نیز کل تعارضات را به روش رگرسیون چند متغیره مورد بررسی قرار می دهد. همانطور که در جدول نمایان است از بین کل متغیرهای وارد شده در معادله متغیرهای تعداد فرزندان، سن ازدواج زن، سن زن، مذهب زن و درآمد مرد باقی مانده اند که این متغیرها توانسته اند به طور کلی ۲۱/۴٪ متغیر وابسته تعارضات را تبیین نمایند و همچنین با توجه به مقدار بتا موجود در جدول می توان گفت که به جز در متغیر تعداد فرزندان در مابقی متغیرها رابطه ها منفی و معکوس می باشد. از بین کل متغیرهای وارد شده در این معادله در این جدول

نیز مانند قبل متغیر تعداد فرزندان دارای بیشترین قدرت تبیین کنندگی برای میزان تعارضات بین زوجین است. همچنین از مقدار ضریب Beta موجود در جدول نمایان است که از بین کلیه متغیرها تنها متغیر تعداد فرزندان رابطه مثبت با متغیر وابسته دارد و مابقی متغیرها دارای رابطه منفی با متغیر تعارضات هستند.

جدول ۸- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش بینی متغیر تعارضات کل

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ²	R ² Ad	اشتباه استاندارد	B	Beta	T	Sig
اول	تعداد فرزندان	۰/۳۲	۰/۱۰۸	۰/۱۰۶	۱۹/۵۶	۷/۰۹	۰/۳۹	۷/۵۴	۰/۰۰۰
دوم	سن ازدواج زن	۰/۴۱	۰/۱۷۵	۰/۱۷۲	۱۸/۸۳	-۱/۱۵	-۰/۲۱	-۴/۷۴	۰/۰۰۰
سوم	سن زن	۰/۴۴	۰/۱۹۵	۰/۱۹۰	۱۸/۶۲	-۰/۵۵	-۰/۱۸	-۳/۴۶	۰/۰۰۱
چهارم	مذهب زن (شیعه)	۰/۴۵	۰/۲۰۵	۰/۱۹۹	۱۸/۵۲	-۴/۵۹	-۰/۱۰	-۲/۷۰	۰/۰۰۷
پنجم	درآمد مرد	۰/۴۶	۰/۲۱۴	۰/۲۰۷	۱۸/۴۳	-۷/۰۶	-۰/۰۹	-۲/۴۱	۰/۰۱۶
$a = 114/17$ $R = 0/46$ $R^2 = 0/214$ $F = 27/93$ $sig = 0/000$									

نتیجه گیری

اغلب مردم جهان زندگی خانوادگی را مهمترین جنبه زندگی خود می دانند. اسکات و پرین در تحقیقات خود به این مسئله اشاره دارند که رویدادهای خانوادگی تا حد زیادی مهمترین جنبه زندگی مردم شمرده می شود (برناردز، ۱۳۸۸: ۱۷). جامعه ایرانی نیز از این امر مستثنی نیست. نهاد خانواده از قدیم به لحاظ ساختاری و کارکردی اعتبار داشته و این اعتبار تا به امروز نیز ادامه دارد و همانطور که قبلا نیز بدان اشاره شد این نهاد و جامعه رابطه تنگاتنگی با هم دارند به طوری که اگر در خانواده هر گونه خلل و مشکل به وجود آید ما تاثیر آن را به طور محسوس در جامعه خواهیم دید. به همین دلیل است که در طول تاریخ نظریات زیادی در

رابطه با مسائل خانواده به بحث و نتیجه گیری پرداخته اند یکی از آنان نظریه منابع است. این نظریه به این نکته اشاره دارد که دستیابی به منابع بیشتر موجب افزایش قدرت فرد می شود. این منابع شامل تحصیلات بالاتر، شغل و سن و تعداد فرزندان و است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش گویای این امر است که چگونگی ساختار اجتماعی و اقتصادی خانواده نقش اساسی در میزان تعارضات همسران دارد. نتایج نشان دهنده این است که عواملی چون میزان تحصیلات زن و مرد، درآمد آنان، وضعیت اشتغال زنان، نوع مذهب و ... با تعارض در خانواده رابطه دارد. البته نکته ای که در بحث وضعیت اشتغال پاسخگویان باید بدان اشاره نمود این است که میانگین تعارض در خانواده ی زنان خانه دار بیشتر از خانواده ی زنان شاغل است و شاید این مسئله به این دلیل باشد که اشتغال زنان در بیرون از خانه از وظایف و نقش وی در قبال انجام کارهای مربوط به خانه‌داری و رسیدگی به امور فرزندان نمی‌کاهد و همچنان زنان مجبور هستند علاوه بر کارهای بیرون از خانه به کارهای درون آن نیز رسیدگی نمایند در نتیجه زمان کمتری برای بحث و گفتگو با همسر خود دارند اما زنان خانه دار به دلیل اینکه وقت آزاد بیشتری در اختیار دارند در نتیجه در زمان حضور همسر در خانه می‌توانند زمان بیشتری را صرف گفتگو و تبادل نظر با همسر خود کنند. همچنین نتایج تحلیل چند متغیره نشان‌دهنده این است که سن ازدواج از بیشترین قدرت تبیین کنندگی برای متغیر تعارضات برخوردار است و سن زن نیز در مقام بعد از آن قرار دارد که در هر سه گروه از تعارضات یعنی هم در شدت تعارضات و هم محتوای تعارضات و هم کل تعارضات وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های جواهری (۱۳۸۹) مبنی بر اینکه سن از جمله عوامل است که بر کیفیت زندگی تاثیر می‌گذارد همسو است. با توجه به این می‌توان گفت که سن زن از جمله عوامل مهمی است که نقش اساسی در میزان تعارضات بین زوجین دارد. با افزایش سن تجربیات زندگی اشخاص بالاتر می‌رود و این تجربیات را فرد در زندگی روزانه خود به کار برده و بدین وسیله از میزان شدت تعارضات در زندگی خود می‌کاهد یافته‌های سن ازدواج و اهمیت آن در تعارضات خانوادگی در پژوهش مقدم (۱۳۸۵) نیز نشان داده شده است بدین

صورت که هر چه افراد در سنین بالاتر ازدواج نماید با درایت بیشتری اقدام به انتخاب همسر می نماید و این امر روی زندگی زناشویی آینده فرد تاثیرگذار است. نتایج حاصله از این تحقیق نشان می دهد که درآمد زن یکی از عواملی است که بر روی روابط زوجین تاثیر داشته است. با اشتغال زنان نحوه تصمیم گیری وی و به دنبال آن نحوه روابط زوجین نیز تغییر می یابد به قول کاستلز با ورود زنان به بازار کار و کسب مشاغل درآمد زا و همچنین اهمیت یافتن سهم اقتصادی زنان در بودجه خانواده قدرت چانه زنی زنان در خانواده افزایش پیدا می کند (مهدی زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۴). علاوه بر این درآمد مرد نیز از جمله متغیرهایی است که بر مجموع تعارضات تاثیرگذار است. در کل می توان گفت که درآمد خانواده از عوامل مهم تعارضات میان زوجین است هر چه که زوجین بیشتر نگران مسائل مالی و اقتصادی باشند تعارضات بینشان بیشتر خواهد بود. وایتن و لیاد (۱۹۹۷) معتقدند که فقر اقتصادی موجب مشکلاتی چون بیماری و بیکاری می شود و افرادی که خود را فقیر می دانند دارای رفتارهای پریشان هستند. این یافته ها با یافته های عطاری (۱۳۸۵)، لوتچی (۱۹۹۹)، طهماسبی (۱۳۸۵)، فخرایی (۱۳۶۸) همخوانی دارد. لوتچی (۱۹۹۹) در این زمینه معتقد است که مشکلات اقتصادی باعث کاهش رضایت زناشویی شده و کیفیت و ثبات زندگی زناشویی را تحت تاثیر قرار می دهد. همچنان نتایج نشان می دهد که تعداد فرزندان از عوامل مهم مرتبط با وجود تعارض در خانواده ها است که این عامل در هر سه حالت شدت، محتوا و کل تعارضات خود را نشان می دهد بدین صورت که با افزایش تعداد فرزندان تعارض در خانواده نیز افزایش می یابد این یافته نیز با یافته های عطاری (۱۳۸۵)، مقصودی (۱۳۸۳) همخوانی دارد. هر چه قدر بعد خانوار افزایش پیدا کند بر میزان اختلافات بین زوجین به دلیل به وجود آمدن مسائل و مشکلات اقتصادی به خصوص زمانی که درآمد ثابت باشد و بعد خانوار افزایش پیدا کند و همچنین بر مسائل تربیتی فرزندان افزوده می شود. علاوه بر این با افزایش تعداد فرزندان بر مشکلات و ضعف جسمانی مادران افزوده می شود و مشکلاتی چون بارداری، تولد فرزندان و نگهداری از آنها باعث ضعیف شدن روابط بین زن و مرد به خصوص از لحاظ جنسی می

شود و همچنین مادر نیز به اجبار باید وقت بیشتری را صرف نگهداری از فرزندان نماید و همین مسئله باعث می شود که رضایت زناشویی کاهش یابد (عطاری، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

در مجموع از کل نتایج به دست آمده می توان گفت که بر طبق تئوری منابع توزیع قدرت در خانواده تا حدی به میزان در دست داشتن منابعی چون سن، میزان تحصیلات، میزان درآمد و... بر می گردد. در این مقاله فرض بر این بود که هرچه زن منابع بیشتری دست داشته باشد در رابطه با همسران خود داری قدرت بیشتری هستند و میزان تعارضات زوجین در چنین خانواده هایی کمتر خواهد بود که نتایج نهایی این مسئله را اثبات کرده است.

با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق به منظور به حداقل رساندن تعارضات همسران پیشنهادهای ذیل ارائه می گردد:

- ۱- به جوانان آگاهی دهند تا در پی گزینش همسری باشند که صفاتی همگون با آنها داشته باشند. از جمله این صفات سن، میزان تحصیلات و مذهب می باشد.
- ۲- جوانان را از ازدواج در سنین پایین بر حذر داشت.
- ۳- جوانان را قبل از ازدواج با حقوق و تکالیف خود در خانواده آشنا ساخت.
- ۴- به زوجین جوان آگاهی داد که به وسیله کنترل موالید و محدود نمودن تعداد فرزندان خود از مسائل و مشکلاتی که بعدا با آن مواجه خواهند شد، جلوگیری کنند.
- ۵- تعارض در خانواده از بحث های آرام بر سر مسائل مختلف چون عقاید، فرزندان، مسائل مالی و... گرفته تا خشونت های شدید فیزیکی را شامل می شود. از آنجا که به دلیل منزجر بودن طلاق در جامعه ایران تنها تعداد کمی از این اختلافات به طلاق منجر می شود و معمولا این تعارضات همچنان در محیط خانواده می ماند بنابراین با توجه به وسیع بودن ایران و وجود عقاید و مذاهب گوناگون در کشور جا دارد که تعارضات مربوط به خانواده در استانها، شهرها و روستاها مورد مطالعه قرار گیرد و با یکدیگر مقایسه شود تا بتوان یک راهکار مناسب برای حل این موضوع مهم در جامعه ارائه داد.

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلا، (۱۳۸۷). جامعه شناسی زنان، تهران: نشر نی.
- اعزازی، شهلا، (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- اعزازی، شهلا، (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی، زنان کتک خورده، تهران: نشر سالی.
- برناردز، جان، (۱۳۸۸). درآمدی به مطالعات خانواده. تهران: نشر نی.
- بستان، حسین، (۱۳۸۵). "بازنگری نظریه‌های نقشی جنسیتی"، پژوهش زنان، دوره چهارم، شماره ۱-۲، صص ۳۱-۵.
- جواهری، فاطمه و همکاران، (۱۳۸۷). "مشکلات شغلی زنان عضو هیئت علمی دانشگاه"، پژوهش زنان، دوره ششم، شماره ۲، صص ۱۰۶-۷۹.
- خواجه نوری، بیژن و هاشمی نیا، فاطمه (۱۳۹۰). "رابطه تعارضات والدینی با بزهکاری"، پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال دوم، شماره ۲، صص ۳۸-۱۹.
- رابرتسون، یان، (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه (با تاکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی)، ترجمه: حسن بهروان، مشهد: استان قدس رضوی.
- ریترز، جورج، (۱۳۸۱). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر و رفعت جاه، مریم، (۱۳۸۳). "عوامل جامعه شناسی موثر در بازتاب هویت اجتماعی ایران"، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، صص ۹۱-۷۱.
- سگال، مارتین، (۱۳۷۰). جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- عطاری، یوسفعلی و امان الهی فرد، عباس و مهربانی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۵). "بررسی رابطه ویژگیهای شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز"، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، شماره ۱، صص ۱۰۸-۸۱.

- فخرایی، سیروس، (۱۳۸۶). "تحلیل جامعه شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شهر شیراز"، *مجله علمی پژوهشی تحقیقات زنان*، سال دوم، شماره ۱، صص ۷۵-۱۱۳.
- قره باغی، فاطمه و وفایی، مریم، (۱۳۸۷). "تعارض زناشوی، ارزیابی و مقابله شناختی کودک با تعارضات والدین و نشانه‌های آسیب شناختی و سلامت کودک"، *مجله پژوهش در سلامت روانشناختی*، دوره دوم، شماره ۱، صص ۴۹-۶۰.
- لهسایی زاده، عبدالعلی، (۱۳۸۷). "نظریه‌های جدید در مکتب تضاد"، *فصلنامه جامعه شناسی*، شماره ۱۰، صص ۹-۳۲.
- موسوی، اشرف السادات، (۱۳۸۵). "مقایسه سویه‌های متفاوت رضایتمندی از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه دار"، *مطالعات زنان*، سال چهارم، شماره ۲، صص ۷۱-۸۸.
- مهدی زاده، شراره و صالحی، ناهید، (۱۳۸۶). "عوامل موثر بر روابط زوجین در خانواده‌های روستایی استان تهران"، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۶۹-۱۹۵.
- میشل، آندره، (۱۳۵۴). *جامعه شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰).
- نژادسبزی، پروانه، (۱۳۸۹). "رابطه عوامل خانوادگی با فرار کودکان از منزل در خرم آباد"، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۴۰، صص ۱۲۹-۱۵۹.
- هنرپروران، نازنین، (۱۳۹۰). "مقایسه الگوهای ارتباط و تعارضات زناشویی در زنان متأهل شاغل در بانکهای دولتی و زنان خانه دار شهر شیراز"، *فصلنامه علمی پژوهشی زنان*، سال ۲، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۲۲.

Blood, Robert. (1964). *Marriage*. The Free Press, New York.

Bodenmann, G. (1997). "Can divorce be prevented by enhancing the coping skills of couples?" *journal of divorce and remarriage*, vol.27, pp:177-192.

Cooney, T.M. (1994). "Young adults relations with parents:the influence of recent parental divorce." *journal of divorce and the family*, vol.56,pp:45-56.

- Finchman, F.D. (2003). " Marital conflict: correlates, structure, and context; current directions in psychological science". Vol.12; pp .23–27.
- Grych, J.H.(1993)."Children appraisal of marital conflict: Initial investigation of the cognitive-contextual framework ." *Journal of American Sociological Review.*,Vol.25, No.4, pp483-496.
- Jacobsen, Vernica.(2004).*Theories of the Family and Policy*. New Zealand: Treasury.
- Lin, Non (1976). *Foundation of Social Research*. New York: McGraw Hill.
- O'Grady, Kerry.(2007)."Iranian Women: An Exploration into Islam's sexually Oppressed", http://www.comcol.umass.edu/dbc/s07_dr/women.pdf
- Susanne, Y.P. Choi.& Kwok-Fai, Ting. (2008). "Wife Beating in South Africa An Imbalance Theory of Resources and Power". *Journal of Interpersonal Violence*. Vol.23, No.6, pp834-852.

